

ارزشهای

اجتماعی (۱)

از نظر جامعه‌شناسی، ارزشهای اجتماعی بدان دسته از واقعیات و اموری اطلاق میگردد که نیاز مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده میسازد مانند: ارزش قدرت، ارزش ثروت، ارزش دانش، ارزش تقوی، ارزش احترام و غیره. از آنجا که در هر جامعه‌ای سنن و آداب و رسوم و مقتضیات اجتماعی متفاوت است ارزشهای اجتماعی نیز که ریشه و پایه رفتار و کردار وجدانی و عقلی افراد جامعه‌اند بر حسب نیاز فرهنگی و اخلاقی جوامع نسبی هستند. در عین حال، ارزشهای اجتماعی ممکن است که اشیاء جاندار و بی‌جان، نفسانی یا غیر نفسانی، مادی یا غیر مادی باشند که یا بر حسب نیاز جامعه مورد قبول عام هستند و یا بر افراد تحمیل میشوند و انکار کردن آنها نیز غیر ممکن است. بعلاوه ارزشهای اجتماعی ممکن است برای جامعه‌ای نتیجه مثبت یا منفی بار آورد زیرا رفتار و سلوک افراد گذشته از اینکه متعکس کننده رای اجتماع نسبت به ارزشهای اجتماعی است، میتواند در گروه اجتماعی نیز موثر باشد حتی آنرا تغییر دهد. (۲)

منظور از مثبت یا منفی بودن ارزش، نتیجه عملی است که صاحب ارزش بود یا زیان جامعه انجام میدهد، مانند استفاده از ارزش ثروت با نفع و خیر عمومی و یا استفاده نامعقول و زیان بخش از ارزش قدرت به ضرر جامعه. بهمین سبب ارزشها معمولاً برای شیء یا جنبه‌هایی از رفتار ذکر میگردد که در جامعه بعنوان خوب و مطبوع و یا نامطلوب از آنها یاد می‌شود. در توضیح این مطلب باید بگوئیم که آندسته از مظاهر مادی زندگی که اغلب افراد جامعه در طلب بدست آوردن و تملک آن هستند در رفیق‌اشیائی قرار میگیرند که برای افراد همان جامعه بخصوص دارای ارزش خوب و مطبوع است. برعکس جنبه‌هایی از رسوم و عقاید و نحوه معاشرت و شیوه رفتار که متابعت از آنها از نقطه نظر اکثریت مردم یک اجتماع غیر مجاز است و بد شخصیت اجتماعی فرد لطمه میزند، در زمره عقاید و عبادات و رفتارهای ناپسند و دارای ارزش اجتماعی نامطلوب است.

ارزشهای اجتماعی در برخی از موارد ابتدا فردی است، سپس جنبه جمعی پیدا میکند و اجتماعی میشود، در این حالت است که ارزش تبدیل به امر اجتماعی میشود و مانند امور اجتماعی دیگر ظهور و تحول و جنبه‌های کیفی و کمی آن در جامعه قابل تحقیق و مطالعه میباشد و باین اعتبار است که ارزشهای اجتماعی صورتهای گوناگون پیدا میکنند مانند ارزش سیاسی، دینی، اخلاقی و اقتصادی و جز آن که هر یک به بحث جداگانه نیاز دارد.

ارزشهای اجتماعی قابل انتقال از جامعه‌ای به جامعه دیگرند، این انتقال ممکن است به دو شکل صورت گیرد، یکی بصورت آماده و پخته و دیگری بصورت خام و ناقص.

وقتی ارزش بهمان صورت و شکل اولیه در جامعه‌ای پذیرفته شود این ارزش را آماده و پخته مینامند. مانند ارزشهای فرهنگی آماده‌ای که از جامعه‌ای بهجامعه دیگر وارد میشود و بدون تغییر شکل کم‌کم جذب فرهنگ جدید میشوند منتهی این جذب بکندی صورت میگیرد.

سیاست یکسان سازی در زمینه های فرهنگی و قضائی و سیاسی در

مطالعات فرهنگی
مجموعه اشائی



مستعمرات آفریقائی فرانسه مثال روشنی است از شکل انتقال ارزشها بصورت آماده و پخته بطوریکه مردم فرانسه این اشتباه دست داد که تفوق ارزشهای فرهنگی غرب بر آنچه در آفریقا یافته بودند انکار ناپذیر است ، تا آنجا که هر فرانسوی تصور میکرد که يك وظیفه مهم نازد و آن « رسالت متمدن ساختن » مردم مستعمرات است و در لفاظیه این عبارت بود که فرهنگ فرانسوی را با تمام خصوصیات آن به مردمی که هیچگونه سختی با آن نداشتند تحصیل میکردند . (۳)

ژرژ بالاندیه (۴) جامعه‌شناس فرانسوی که از آفریقا شناسان معاصر است درباره انتقال ارزشهای فرهنگی و دینی از اروپا به آفریقا در تالیف ارزنده‌اش « جامعه‌شناسی امروز آفریقای سیاه » (۵) تحلیل جالبی دارد که نشان میدهد چگونه بعضی از ارزشهای فرهنگی که بصورت آماده و پخته مردم آفریقا تحصیل گردیده‌است مورد رضای جامعه مغلوب قرار گرفته‌اند مانند زبان فرانسه یا انگلیسی که بعنوان زبانی که نیازهای اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و دینی اعضای جامعه را برآورده میسازد قبول عام یافته است . (۶) اما ارزشهای خام و ناقص در جامعه جدید زمانی بصورت کامل تغییر شکل میدهد که عوامل اصلی حضور ارزشهای بیگانه در جامعه دوم از میان برود . مانند تغییر شکل دیانت مسیحی در آفریقا سیاه که با ظهور نهضت‌های ملی ضد استعماری با روحیه ملی درآمیخته و شکل خاصی بخود گرفته است و موجد اصول اخلاقی جدیدی برپایه دین مسیح گردیده و به مسیحیت آفریقائی معروف شده است . (۷)

ارزش در صورتیکه جنبه اجتماعی داشته باشد باید در زمان و مکان مورد مطالعه قرار گیرد و در مطالعات علمی جامعه‌شناسی ارزشها و روان‌شناسی اجتماعی ، حتی جامعه‌شناسی پرورشی آنها را بررسی کرد . تحقیقات جامعه‌شناسی در زمینه‌های گوناگون ارزشهای اجتماعی مانند تاثیر ارزشها در حس و فکر و عقل و رفتار و سنوگ بخوبی نشان میدهد که تا چه حد بین ارزشهای اجتماعی يك جامعه در زمان معین با جامعه دیگر فرق هست . (۸) بعبوات دیگر « ارزشها با نوع تمدن تغییر میکنند و در داخل يك تمدن واحد نیز ارزش هر گروه و دسته اجتماعی با ارزشهای گروه و دسته‌های دیگر فرق دارد مثلا اخلاق و سلیقه بورژوا با اخلاق و سلیقه کارگر تفاوت دارد و احاسات اخلاقی و هنری در طول تاریخ نیز تحولاتی پیدا کرده است . (۹) بقول هارری مندراس (۱۰) محقق عالی‌مقام فرانسوی « در هر دوره و برای هر گروهی ، اخلاق چیزی مطلق است که بخودی خود پذیرفته میشود و نسبت را در آن راه نیست » همین نکته باعث میشود که جامعه‌شناسی ارزشها ظرفیت و مخاطره‌آمیز باشد . زیرا « ارزش در نظر کسی که بدان اعتقاد دارد و یا آن زندگی میکند متعالی و مطلق است » . (۱۱)

انواع ارزشها

جامعه‌شناسان برای ارزشهای اجتماعی انواعی قائل‌اند ، که معتقدند ارزشهای اجتماعی دو نوع‌اند : ارزشهای غائی و ارزشهای بایه ارزشهای غائی آنسته از ارزشهای اجتماعی هستند که بعنوان هدف و غایت مطلوب انسان شناخته شده‌اند مانند ارزش ثروت . ارزشهای پایه بآن دسته از ارزشها اطلاق میگردد که بعنوان وسیله برای تحصیل ارزشهای دیگر مورد استفاده قرار میگیرند . مثلا ارزش قدرت هم میتواند هدف غائی و مطلوب باشد و هم وسیله برای کسب ارزشهای دیگر . (۱۲)

علاوه بر این جامعه‌شناسان با توجه به جنبه‌های کیفی و کمی امور اجتماعی برای ارزشها اقسامی قائل‌اند که مهمترین آنها عبارتند از :

۱ - ارزشهای سیاسی ، منظور از این ارزشها آنسته از اموری است که در طول تاریخ از لحاظ سیاسی مورد توجه جوامع گوناگون بوده و بر اثر تحول و تطور سبب ایجاد اشکال حکومت گردیده است مانند شکل حاکمیت در کلان‌های ابتدائی و یا اشکال حکومت عامه و خاصه و جز آن که در هر کدام از این حکومتها ارزش و مقام انسانی متفاوت میباشد . ارزش آزادی نیز از ارزشهای مهم سیاسی است ، بقول آدام اسمیت (۱۳) « وقتی که افراد با استفاده از آزادی طبیعی بحال خود

واگذار شوند طبقات جامعه بر منافع مشترکی که دارند بهتر آگاه میشوند » . (۱۴)

۲ - ارزشهای دینی ، یعنی امور واحکام و سنتهای دینی که مانند ارزشهای دیگر اجتماعی دستخوش تطور و تحول میگرددند و ممکنست بعضی از آنها در جامعه‌ای مورد قبول باشد و در جامعه دیگر توجیهی بآن نشود و یا اعمال و مناسک دینی خاصی که قبلا مورد اعتناء و اعتبار بعضی گروههای مذهبی نبوده بر اثر تحول و تغییر شکل مورد توجه قرار میگردد و یا بالعکس اعمالی که پیش از آن مورد توجه اعضای جامعه دینی بوده‌اند ممکن‌است بر اثر گذشت زمان ارزش پیشین را از دست بدهند و حتی نامطلوب نیز جلوه کنند . در اروپای قرن هیجدهم مفهوم‌مذهب در تدرج طبقات اجتماعی ارزش‌یکسان نداشته است ، مثلا برای گروهی که زندگی مرفه داشتند مذهب يك موضوع خصوصی بین فرد و پروردگار و کلیسا شناخته میشد ، در حالیکه برای مردمان فقیر ، مذهب ارزش يك سازمان اجتماعی و مملکتی داشت که برای نظم جامعه لازم شمرده میشد .

۳ - ارزشهای اقتصادی ، مورد بحث ارزشهای اقتصادی ارزش ثروت ، ارزش کار ، ارزش قیمت ، ارزش آزادی و رقابت است .

مثلا ارزش ثروت در تمام جوامع چه ابتدائی ، چه تطوریافته وجود داشته و دارد منتهی از لحاظ ارزش اقتصادی آن و شکل تولید و توزیع ثروت در جوامع گوناگون فرق دارد . چنانکه ارزش ثروت و مال اندوختی در نزد پروتستانها با ارزش آن نزد کاتولیکهای متعصب متفاوت است . مذهب پروتستان برای شغلی که منشاء درآمد است ارزش و اعتبار زیادی قائل‌است ، در صورتیکه مذهب کاتولیک اجر و مزد طبقات محروم را به دنیای دیگر حواله میدهد و مردم را تشویق میکند بجای کسب ثروت در این دنیا زندگی پر منقبت را در نهایت نظم و پرهیزکاری تحصیل کنند ، تا رستگاری درجهان دیگر را بدست آورند .

ارزش کار و نیروی کار از نظر اقتصادی کالائی است مشابه کالاهای دیگر ، ارزش آن را همیشه عرضه و تقاضا تعیین میکند و دستمزدها نیز متناسب با نتیجه‌ای است که از کار حاصل میشود ، علاوه ارزش کار و نیروی کار در دو جامعه کارگری و سرمایه‌داری باهم فرق دارد . در جامعه اول ارزش کار حاکم بر تولید است و در جامعه دوم سرمایه مقدم بر ارزش کار است .

ارزش واقعی اشیاء با قیمت حقیقی آنها نیز مسئله‌ای است که مورد توجه اقتصاد دانان قرار گرفته است ، بنظر گروهی ارزش اقتصادی اشیاء با ارزش واقعی آنها فرق دارد مثلا ارزش اقتصادی شئی بخصوصی اگر ۱۰ ریال باشد میتوان احتمال داد که ارزش واقعی آن کمتر یا بیشتر از ۱۰ ریال باشد ، علاوه ارزش واقعی اشیاء وقتی معلوم میگردد که هدف اقتصادی آن مورد نظر باشد چنانکه در مسئله عرضه و تقاضا که بیشتر جنبه اقتصادی دارد ممکن است از ارزش شئی بدلیل عرضه زیاد و تقاضای کم کاسته شود

ارزش آزادی که از ارزشهای سیاسی است از جنبه نظر اقتصادی هم مهم است چنانکه هر جا که آزادی باشد افراد بیشتر به کار کردن تشویق میشوند ، چون یقین میکنند که میتوانند از ثمرات کار و کوشش خود آزادانه حداکثر استفاده را بنمایند .

بالاخره ارزش رقابت نیز یکی از ارزشهای اقتصادی است که بقول آدام اسمیت « هر چه دامنه رقابتهای میان افراد وسیعتر باشد خیر جامعه بیشتر تامین خواهد شد » . (۱۵)

۴ - ارزشهای اخلاقی ، دیگر از انواع ارزشها که در تقسیم‌بندی جامعه‌شناسان بچشم میخورد ارزشهای اخلاقی‌اند . شکی نیست که اخلاق در گذشته و حال یکی از اصول برقراری نظم جوامع بوده و هست . اما آنچه در این باره بعنوان ارزشهای اخلاقی مورد بحث و گفتگو است این است که ، ارزشهای اخلاقی را چگونه میتوان توجیه کرد ؟ این نکته مسلم است که ارزشهای اجتماعی در هر جامعه‌ای بتاثر مقتضیات و اوضاع و احوال دینی ، سیاسی ، اقتصادی ، واجتماعی باهم تفاوت دارند ، ارزشهای اخلاقی نیز از این حالت مستثنی نیستند . مثلا اخلاق بورژوا تحصیل ثروت را تجویز میکند و اخلاق کارگر رفاه و تعاون را ، و بقیه در صفحه ۵۱

هم خونى (بقیه)

می شود . این تنها چیزی است که محمود نگهداشته ، شاید اصلا بداش نیست که این هدیه زری است . بنظرش میرسد که محمود در گذشته محو شده و این تنها اوست که همچنان پیش آمده و همه چیز را در ذهن بسیار کوشنده اش زنده نگهداشته و گر نه این آدم که روزی آنهمه باو نزدیک بوده حالا دیگر غریبه ایست که بیروح ولی پر خون شده است . انگار مجسمه ایست که روی فرقه سوار شده و بطرز مضحکی بدنیاله اش قباله ملک و اجاره نامه بسته اند و بچه ها که زاد و رودش هستند دنبال آت و آشغال هایش میدوند تا بروزی برسد که او مرده باشد و کافکا را بین خودشان تقسیم کنند . مثل دل شکافته شکاری که بین موشی گرسنه و وحشی ولو شده باشد و این همه چیزی است که در طول چند سال برای آنها مانده است . هر یک از جانی که از هم جدا شده اند باینجا رسیده اند و زری می بیند که بین خودش و او فاصله عظیمی است

که حد آن از پانزده سال پیش شروع شده و حالا بسرحد گستردگی و رشد خود رسیده ، بطوری که او حالا دیگر محمود را از خاطره اش می راند . به پنجره تکیه میدهد . حسین روی صندلی نشسته و سعی میکند روزنامه را بصدای بلند بخواند .

در مدتی کم بعد از آن تب بحرانی پسرش با سرعت رشد می کند و چیز یاد میگیرد . سالی گذشته و حسین با پاهای ناقص فکر تیز و روشنی دارد . زری باید پای پسرش باشد و فکر می کند که چه چیز خودش باشد ؟

سهم او چیست ؟ و حسین که دارد به عقل و دانائی میرسد با پای ناقص چه خواهد کرد ؟ نتواند جوابی پیدا کند . از گذشته ای که

زری بکوشش او فکر می کند که هر کلمه را ده بار تکرار میکند و خسته نمی شود . از خودش می پرسد : - وای چی انقدر خودشو خسته می کنه . ؟

حسین کلمه ها را تکرار میکند .

زری نگاهش می کند . پسرش جوان است و چنان شوری در یاد گرفتن کلمه ها دارد که انگار همه زندگیش در ترکیب کلمه ها نهفته . زری شوق او را می شناسد . قلبش آرام می شود و انگار از جانب پسرش مطمئن شده - دو پای حسین مثل چوبی از جلوی صندلی آویزان است . زری بلند می شود و چراغ را روشن می کند . زمان بی تفاوت و طولانی بنظرش میرسد و از خود می پرسد :

- ما با هم میرسیم ؟
و فکرش بجائی نمیرسد . دوباره لب پنجره می نشیند . خانه تاریک است و سایه درخت ابریشم بین او و زمین حیاط فاصله ای سیاه و مبهم می اندازد .

در آن همه سئوالهایش بی جواب مانده اند تجربه تلخی دارد . خانه در غروبی گرم غوطه می خورد . چشمش به تپه چمن می افتد و یکدم به حوضی فکر میکند که مستطیل بود و پراز نیلوفرهای آبی و ماعیهای رنگارنگ و این خاطره همانقدر بی رنگ و روح است که بقیه تصاویر جلو چشمش ، از درختهای کاج و شیشه پنجره ای که پشت دریهای پروردی دوزی داشت و مقابل آن رختخوابی با ملاقه های سفید آهاردار پهن شده بود .

روی تپه چمن بچه ها با شیطنت و قیل و قال کلمه معلق میزدند و از بالای چمن به گودال آبرفت می غلطند . پسرش را به پنجره تکیه میدهد . حسین هنوز روزنامه می خواند .

(بقیه) ارزشهای اجتماعی

بقول هانری مندراس « اخلاق و سلیقه بورژوا با اخلاق و سلیقه کارگر تفاوت دارد و در هر دوره و برای هر گروهی اخلاق چیزی مطلق است که بخودی خود پذیرفته میشود » (۱۶) علاوه بر ارزشهای اخلاقی در بسیاری موارد جنبه ای از ارزشهای دینی نیستند ، یعنی بسیاری از ارزشهای اخلاقی و دینی توأم و درهم آمیخته اند ، من باب مثال اخلاق مسیحی با اخلاق مسلمان و اخلاق مسلمان با اخلاق زرتشتی از دو دید متفاوت (اخلاقی و دینی) دو چیز جدا از هم اند . چنانکه ارزش عمل ازدواج چندزنی (۱۷) و طلاق هر اخلاق مسیحی ممنوع و ناپسند و دارای منع دینی است در حالی که این دو امر در اخلاق جامعه مسلمان گذشته از اینکه ناپسند نیست ، بنابر قانون و سنت و با رعایت شرایط و اصول مقرر جایز نیز میباشد . همچنین محرمانه جنسی (تابوهای جنسی) نزد دو جامعه مسلمان و زرتشتی در صدر اسلام از لحاظ اخلاق اجتماعی دارای ارزشهای متفاوت بود .

جامعه اسلام ازدواج همجنس (۱۸) بمعنای ازدواج با محارم و اقربای نزدیک را عملی ناپسند و دور از اخلاق دانسته و چنین ازدواجهایی را ممنوع اعلام نموده است در صورتیکه بنابر سنت زرتشتیان ازدواج با محارم موسوم به خوئنگ نس (۱۹) نه تنها ممنوع و ناپسند نیست بلکه عمل بآن را بمنظور پاک کردن خون خانواده امری مقبول و متداول و موجب روشنائی آیزدی و طرد دیوان و دروجان میدانسته و آن را یک عمل خدایسندانه می شمرده اند! (۲۰)

۱- Les Valeurs Sociales

۲- با استفاده از تقریرات استاد دکتر صدیقی

۳- رجوع کنید به استقلال آفریقا - تالیف ایمانوئل والرستاین -

ترجمه علی اصغر بهرام بیگی تهران ۱۳۴۵ .
Georges Balandier

Sociologie Actuelle de l'Afrique noire, paris 1963

۶- رجوع کنید به

Sociologie Actuelle de l'Afrique noire.

Afrique Ambigue, par G. Balandier, Paris 1963

۷- رجوع کنید به Sociologie Actuelle de l'Afrique noire

۸- مبنای جامعه شناسی - از هانری مندراس - ترجمه باقر

بهرام بیگی ۱۶۲ .

۹- همان کتاب .

۱۰- Henri Mendras

۱۱- همان کتاب ص ۱۶۶ .

۱۲- رجوع کنید به جامعه شناسی ارزشها از دکتر صانعی ص ۴۵

به بعد .

۱۳- Adam Smith (۱۷۲۳ - ۱۷۹۰)

۱۴- سیر آزادی در اروپا ص ۲۳۹ .

۱۵- همان کتاب ص ۲۳۷ .

۱۶- مبنای جامعه شناسی ص ۱۶۲ .

۱۷- Polygamie

۱۸- Consanguin

۱۹- Xaxtak - Das

۲۰- رجوع شود به مقاله « سیر طبقات اجتماعی و ویژگیهای

خانواده در ایران قدیم » بقلم نگارنده در مجله بررسیهای تاریخی شماره ۶ ۵۱

سال ششم ۱۳۵۰ .